

نقش اشراق

در اسلامت حکیم روان

دکتر سوسن کشاورز
عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم

مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت و تربیت است و در این باره خداوند می فرماید: تبیاناً کل شیء. چرا که هدف از نزول آیات قرآنی و ارسال رسل، تربیت انسان‌ها و نشان دادن راه سعادت به آنان بوده است. به همین منظور یکی از غایات مورد نظر در قرآن کریم و آموزه‌های ائمه (ع)، رهایی انسان‌ها از کجروی‌ها، ضلالت، عصیان، تاریکی و دست‌یابی آنان به روشنایی حقیقت است. این مهم حاصل نمی‌گردد مگر



پژوهش

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
خرداد ۱۳۸۶

شماره ۳۲۲

۱- روشن بینی و بصیرت

«بدانید که هر که تقوا پیشه گرفته از خدا بترسد، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباهی‌ها و روشنائی از تاریکی‌ها (ی نادانی و گمراهی) را به او نشان می‌دهد و در آن چه آرزو داشته (بهشت) جاودان نگاهش می‌دارد، سایه آن سرا عرش و روشنائی آن خشتودی خداست و زیارت کنندگان آن فرشتگان و دوستان آن پیامبران می‌باشند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲).

امام حسن (ع) می‌فرماید:

«بندگان خدا، از خدا پروا کنید و بدانید که هر تقوای الهی داشته باشد، خدا راهی برای بیرون شدن از فتنه‌ها به رویش بگشاید، در کارها صلاح را به او نشان دهد، وسیله هدایتش را آماده سازد، حجت و برهانش را پیروز گرداند، روسفیدش کند و خواست‌هایش را عطا فرماید، با آنها که خدا نعمتشان بخشیده، یعنی پیامبران، صدیقان، گواهان و شایستگان (هم‌نشین باشد) و چه خوش رفیقانی هستند» (تحف العقول، ص ۲۶۲).

اما چگونه تقوا و پرهیز از گناه و هوا و هوس‌های سرکش به انسان دید و درک نیرومند می‌دهد و چطور ممکن است تقوا که يك فضیلت اخلاقی و مربوط به نوع عمل انسان است در دستگاه عقل و فکر و قوه قضاوت انسان تأثیر داشته باشد و منشأ آن شود که انسان به دریافت حکمت‌هایی نائل گردد که بدون داشتن تقوا، موفق به دریافت آن حکمت‌ها نمی‌شود؟

اولاً، نیروی عقل انسان به قدر کافی برای درک حقایق آماده است، ولی پرده‌هایی از حرص و طمع و شهوت و خودبینی و حسد و عشق‌های افراطی به مال و زن و فرزند و جاه و مقام، همچون دودسیاهی در مقابل دیده عقل آشکار می‌گردد یا مانند غباری غلیظ، فضای اطراف را می‌پوشاند و پیداست که در چنین محیط تاریکی، انسان چهره حق و باطل را نمی‌تواند بنگرد؛ اما اگر با آب تقوا این غبار زدوده شود، دیدن چهره حق آسان است.

ثانیاً هر کمالی در هر جا وجود دارد، پرتوی از کمال حق است و هر قدر انسان به خدا نزدیک‌تر شود پرتو نیرومندی

آن که آدمی قبل از هر چیز متوجه سلامت جسم و روان خویش باشد. براساس رهنمودهای بیان شده در آموزه‌های دین اسلام، یکی از خصلت‌هایی که اگر افراد به آن متصف گردند و ظاهر و باطن خویش را با آن زینده سازند، می‌توانند به سلامت جسم و روان دست یابند و زمینه‌های تقرب الهی را فراهم آورند؛ تقواست، چرا که قرآن کریم خود می‌فرماید: و لباس التقوی ذلک خیر؛ ان اکرمکم عندالله اتقیکم. از این رو، این نوشتار به دنبال آن است که با جستاری اندک در آموزه‌های دینی، آثار مختلف تربیتی، اجتماعی، مادی و معنوی تقوا را بیان دارد. به روشنی می‌توان دید که مجموعه آثار بیان شده می‌تواند نقشی اساسی در سلامت جسم و روان آدمی داشته باشد.

تقوا چیست؟

تقوا از ماده وقی است. راغب در کتاب مفردات القرآن می‌گوید: «وقایه عبارت است از محافظت يك چیزی از هر چه به او زیان می‌رساند و تقوا یعنی نفس را در وقایه قراردادن از آنچه بیم می‌رود». باید توجه داشت که تقوا دو جزء اساسی سلبی و ایجابی دارد: جزء سلبی آن عبارت است از صیانت ذات از آلودگی‌های شئون طبیعی محض و تمایلات حیوانی و نگهداری ذات از تباه شدن در شعله‌های سوزان خودخواهی. این جزء از تقوا مقدمه ضروری گرویدن تکاملی است که هر اندازه بیشتر مراعات شود بر آمادگی برای تحول و دگرگونی افزوده می‌شود و همه آیات مربوط به لزوم تزکیه و تهذیب نفس و بسیاری از اصول و قواعد اخلاقی مربوط به این جزء از تقواست. جزء ایجابی آن عبارت است از تحصیل صفات حمیده و عالیة انسانی و اعتقاد به تحت سلطه و نظاره خداوندی قرار گرفتن و قرار دادن خود در جاذبه کمال معنوی.

براساس بیانات روشنگرانه دین اسلام، اگر افراد بتوانند درون خویش را با این خصیصه (تقوا) تلاءلؤ بخشند، می‌توانند از آثار مختلف آن که در ادامه مورد اشاره قرار گرفته است، بهره‌مند گردند.



از آن کمال مطلق در وجود او انعکاس خواهد یافت. روی این حساب همه علم و دانش‌ها از علم و دانش او سرچشمه می‌گیرد و هر گاه انسان در پرتو تقوا و پرهیز از گناه به او نزدیک‌تر شود و قطره وجود خود را به اقیانوس بیکران هستی او پیوند دهد سهم بیشتری از آن علم و دانش خواهد گرفت. ثالثاً از نظر تجزیه و تحلیل عقلی نیز پیوند میان تقوا و درک حقایق قابل فهم است، زیرا در جوامعی که بر محور هوا و هوس می‌گردند، تمیز حق از باطل و خوب از بد برای اغلب مردم بسیار مشکل است. بنابراین آن بی‌تقوایی سرچشمه این فقدان تشخیص یا سوء تشخیص است.

به طور کلی، به کار افتادن نیروها و انرژی‌ها و هدر رفتن این سرمایه‌ها در راه‌های ناهنجار موجب می‌شود که مردم از نظر درک و اطلاع در سطحی پایین قرار گیرند. هر چند در صنایع زندگی مادی پیشروی کنند. در واقع آن حکمتی که به اصطلاح مولود تقواست و آن روشنی و فرقانی که در اثر تقوا پیدا می‌شود، حکمت عملی است، نه حکمت نظری. راز روشنگری عقل و روشن بینی حاصل از تقوا این است که تقوا زمینه‌ای فراهم می‌کند که به راحتی می‌توان به فکر و اندیشه پرداخت و راه صحیح را از راه ناصحیح تشخیص داد.

۲ - بازداشتن از وقوع در شبهات

«ذمه من در گرو سخنانی است که می‌گویم و تمام آنها را ضمانت می‌کنم (در راستی گفتارم تردیدی نیست و باطل و نادرستی در آن راه ندارد). کسی را که عبرت‌ها و پیشامدهای

روزگار از عقوبات و انقلابات دنیا در جلو بوده، تقوا و پرهیزگاری از وقوع در شبهات (چیزهایی که حق به باطل و حلال به حرام اشتباه می‌شود) باز می‌دارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

شبهه تنها از این جهت شبهه نامیده شده است که شباهتی به حق دارد و به همین دلیل سبب فریب گروهی از ساده لوحان و دستاویزی برای شیطان صفتان برای فرار از حق می‌شود. در حقیقت اموری که در زندگی فردی و اجتماعی برای انسان پیش می‌آید از سه حال خارج نیست: گاهی حقی است آشکار و گاه باطلی است روشن، ولی مواردی پیش می‌آید که نه مانند قسم نخست است و نه مانند قسم دوم و آن درجایی است که مطلبی باطل را در لباس حق عرضه می‌کنند، ظاهرش حق است و باطنش باطل و از همین پوشش برای فریب مردم یا استدلال‌های بی‌اساس استفاده می‌شود.

اما افرادی که به سلاح تقوا مجهزند، چون گرفتار هوا و هوس نیستند و عقل سلیم بر وجودشان حاکم است می‌توانند در پرتو نور آن، ظلمات شبهه را بشکافند و به مسیر هدایت گام نهند؛ در حالی که اگر فضای فکری آنها انباشته از غبار هوا و هوس بود هرگز نمی‌توانستند چهره حق و باطل را از لابه‌لای پوشش‌ها تشخیص دهند. اگر باطل در چهره اصلی‌اش ظاهر شود، بر کسی مخفی نمی‌ماند و وجدان‌های بیدار و طبع سلیم انسان‌ها هرگز آن را پذیرا نمی‌شود و تنها کسانی به سراغ آن می‌روند که دلی بیمار و فکری منحرف دارند. اما هنگامی که

باطل را در لباس حق ببینند و با آرایش حق آن را بیاریند، غالباً کار مشکل می‌شود و حق طلبان گرفتار این فریب و نیرنگ شده، به آن روی می‌آورند و این یکی از شاخه‌های شبهه است. شاخه‌دیگر آن که مقداری از حق با مقداری از باطل آمیخته گردد و چهره زشت و شوم باطل در این میان پنهان شود. شاخه‌دیگر شبهه این است که باطل را از طریق توجیهات فریبنده در نظرها حق جلوه دهند، بی‌آن که باطل به حق آمیخته شده باشد. از این جا مصایب و فاجعه‌هایی که می‌تواند دامنگیر فرد یا جامعه شود، به خوبی آشکار می‌گردد. تاریخ بشر پر است از مشکلات و مصایبی که از طریق شبهات و وسوسه‌های شیطانی، دامان انسان‌ها را گرفته است و شیادان و فریبکاران با ایجاد شبهات، خود را بر مردم صالح ساده دل تحمیل می‌کنند. جنگ‌های سه‌گانه معروفی که در بصره، صفین و نهروان رخ داد و گروه زیادی را به کام مرگ فروکشاند، نمونه‌هایی روشن از سوء استفاده شیادان از شبهه برای پیشرفت مقاصدشان محسوب می‌شود.

تقوای راستین، نورانی در درون انسان ایجاد می‌کند که حق و باطل را تشخیص می‌دهد و انسان با تقوا، نوعی هشجاری و فراستی پیدا می‌کند که واقعیات را در آن حدود که امکان‌پذیر است درک و دریافت می‌نماید.

۳- دریافت عطاها و بخشش‌های بسیار

از جانب حق تعالی و اجابت حاجات

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

«مرگ، پند دهنده‌ای کافی است، تقوا بی‌نیازی‌ای کافی

است» (تحف العقول، ص ۳۷).

امام علی (ع) نیز چنین بیان می‌دارند:

«هیچ توشه‌ای به جز تقوا سود ندارد» (همان، ص ۱۹۵).

«با تقوا، حاجت درخواست کننده روا می‌گردد و گریزان (از عذاب و سختی) رهایی می‌یابد و عطاها و بخشش‌های بسیار (از جانب حق تعالی) دریافت می‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲).

ذات اقدس خداوند، ایمان و تقوا را به عنوان اولین سبب و مایه ریزش روزی‌های زمینی و آسمانی معرفی می‌کند:

«چنان چه مردم شهر و دیار، همه ایمان آورده و با تقوا می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم».^۲

هر کس که از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهیزد، خدای تعالی چنین بنده‌ای را از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می‌دهد و از جایی که او احتمالش را هم ندهد، رزق مادی و معنوی‌اش را فراهم می‌کند و آن چه را که امیدوار بود به وسیله سعی و کوشش خود به دست آورد، همان را خدای تعالی برایش فراهم می‌کند، زیرا او به خدا توکل کرده است و کسی که بر خدا توکل کند، خداوند همه کاره او می‌شود.

۴- حفاظت از شدائد و سختی‌های

دنیا و آخرت و پیروزی بر شدائد

امام حسن (ع) می‌فرماید:

«خداوند آن‌ها را که تقوا پیشه ساختند با اسباب نجاتشان (عمل‌های شایسته) نجات بخشد، نه هیچ بدی به آنها رسد و نه اندوهگین شوند».^۱

هم‌چنین امام موسی کاظم (ع) در بیان سخنان لقمان به پسرش می‌فرماید:

«پسر جان، دنیا دریایی ژرف است که خلقی انبوه در آن غرق شدند، باید کشتی تو در این دریا تقوا باشد، بارش ایمان، بادبانش توکل، ناخدایش عقل، راهنمایش علم و سکانش صبر».^۳

پس هر که تقوا پیشه گیرد، سختی‌ها بعد از نزدیک شدن و رو آوردن از او دور و کارها پس از تلخی برای او شیرین و موج‌ها (فتنه و تباہکاری‌ها) پس از پی در پی رسیدن از او برطرف و دشواری‌ها پس از رنج دادن برای او آسان و کرامت و لطف (خداوند) بعد از نایابی برای او بسیار و رحمت مهربانی پس از دور شدن به او بازگشت و نعمت‌ها پس از کم شدن بر او فراوان گردد و برکت مانند باران بزرگ قطره پس از اندک

باریدن به او برسد».^۶

هم‌چنین تقوا سبب می‌شود که انسان نیروهای ذخیره‌خود را در راه‌های لغو و لهو و حرام هدر ندهد و همیشه نیروی ذخیره داشته باشد.

تقوا، ظرفیت برای تحمل ناگواری‌ها را بیشتر و اراده را برای مقاومت در برابر شدائد تقویت می‌کند. بدیهی است که آدم نیرومند و با اراده بهتر تصمیم می‌گیرد و راحت‌تر می‌تواند خود را از بندگرفتاری‌ها نجات دهد.

۵- صبر کردن در سختی

«و متقین در دنیا دارای فصیلت‌ها هستند ... در سختی‌ها با وقار و بردبار، و در ناگواری‌ها شکیبا و در خوشی و آسایش سپاسگزارند».^۷

صبر و حلم یکی از مهم‌ترین نتایج تقواست. انسان متقی هنگام برخورد با مشکلات، چون به قدرت الهی امیدوار است، از تحمل و صبر ویژه‌ای برخوردار است که دیگران از آن محروم‌اند.

روحیه صبر و استقامت صرفاً در پرتو دوراندیشی و روشن‌بینی حاصل از تقوا قابل احراز است. این انسان متقی است که می‌تواند عواقب امور را با بینشی الهی مورد تحلیل قرار داده، راه درست را از راه باطل تشخیص دهد و در مقام عمل اوست که می‌تواند به دلیل داشتن قدرت ایمانی و اعتقادی با تمام مشقات و نابسامانی‌های درونی و بیرونی دست و پنجه

هر کس تقوای الهی را پیشه کند خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌کند. انسان متقی از سوی خدا به نیروی دفاعی خاصی مجهز می‌شود که چه از حیث روانی و چه از حیث خارجی، قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می‌دهد.

انسان متقی در کوران حوادث و امواج کوبنده یأس و ناامیدی با تمسک به ریسمان الهی خود را نجات می‌دهد و چون از انوار الهی بهره می‌گیرد از فیوضات الهی برخوردار شده، معضلات و مشکلات پیش آمده را از سر راه خود برمی‌دارد. ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که چه رابطه‌ای میان تقوا که يك خصیصه روحی و اخلاقی است با پیروزی بر مشکلات و شدائد وجود دارد؟ سختی‌هایی که برای انسان پیش می‌آید دو نوع است: يك نوع سختی‌هایی که اراده و اختیار انسان هیچ گونه دخالتی در آنها ندارد، مانند طوفانی شدن دریا و غرق شدن کشتی و نوع دیگر، گرفتاری‌ها و ابتلاءهایی است که اراده و اختیار انسان در آنها دخالت دارد، مانند گرفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی که در این جا منظور، نجات از گرفتاری‌های نوع دوم است. گرفتاری‌ها و شدائد، اصولاً در تاریکی پیدا می‌شود. در تاریکی غبار معاصی، وقتی که نور تقوا پیدا می‌شود، راه از چاه تمیز داده می‌شود.

پرتال جامع علوم انسانی



نرم کند و به هدف خود نایل شود. صبر و خویشنداری در برابر حوادث گوناگون، اعم از مصائب، فقر و انزوا، ارزش تربیتی زیادی دارد و برای کمال و رشد جسمی و روانی انسان مفید و ضروری است. جایگاه صبر در تربیت اسلامی و نسبت آن به ایمان، همانند نسبت سراسر است به بدن، همان‌طور که بدن بدون سراسر ارزش و فایده‌ای ندارد، ایمان بدون صبر نیز ارزش ندارد.^۱ وقتی ایمان کامل است که همراه آن صبر و خویشنداری در همه حالات و رفتار و کردار باشد.

۶- مصونیت از گناهان

رسول خدا (ص) چنین می‌فرمایند:

«سه خصلت است که هر کسی ندارد، هیچ عملی برای او نمی‌باید. تقوایی که او را از گناه باز دارد، علمی که نادانی بی‌خردان را واپس زند و عقلی که بتواند در پرتو آن با مردم بسازد»^۱.
پرورش یافته مکتب نبوی، امام علی (ع) نیز چنین فرموده‌اند:

«بندگان خدا بدانید، تقوا سرای حصار و دار ارجندی است و گناه سرای حصار و دار خواری که ساکن خود را (از بلا و سختی) نگاه نمی‌دارد و هر که به آن پناه برد، حفظش نمی‌دارد. آگاه باشید به سبب تقوا، نیش زهردار گناهان دور می‌شود و به یقین و باور پایان بلند مرتبه به دست می‌آید»^۱.
یکی دیگر از آثار بارز تقوا، حفظ خود از معاصی است. اگرچه روشن بینی حاصل از این صفت الهی، انسان را از ضلالت و گمراهی آگاه می‌سازد، اما نقش تقوا صرفاً آگاهی دادن نیست و فراتر از علم و آگاهی، گرایش عملی نیز مورد نظر است. منظور نخست از این اثر تربیتی نقش فعال تقوا در حیات انسانی است. در بینش اسلامی، انسان متقی تمایل درونی و باطنی به خدا دارد و نیرویی به طور خودکار جهت او را به سوی خدا تنظیم کرده، از انحراف در مسیر زندگی نجات می‌دهد.

۷- زره محکم و سپر مطمئن

«بندگان خدا شما را به تقوا سفارش می‌نمایم، زیرا تقوا حق

خداست بر شما و حق شما را بر خدا لازم و برقرار می‌نماید و شما را سفارش می‌کنم به این که از خدا برای تقوا کمک بطلبید و از تقوا برای (قرب به) خدا همراهی درخواست نمایید، زیرا تقوا در امروز (دنیا) پناه و (در برابر سختی‌ها و گرفتاری‌ها) سپر است و در فردا (قیامت) راه بهشت است. راه آن آشکار و رونده در آن سود برنده و امانت‌دار آن (خداوند) حافظ و نگهدار است»^۱.

وسوسه‌های نفس و شیطان همانند میکرب‌های بیماری‌زایند که در همه وجود دارند، ولی به دنبال بنیه‌های ضعیف و جسم‌های ناتوان می‌گردند تا در آنجا نفوذ کنند. آنها که با کمک گرفتن از نیروی تقوا، جسمی سالم، نیرومند و قوی دارند با زره محکم و سپر مطمئن تقوا این میکرب‌ها را از خود دفع می‌کنند.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سوره‌اعراف، آیه ۲۶.
- ۲- سوره‌حجرات، آیه ۱۳.
- ۳- سوره‌اعراف، آیه ۹۶.
- ۴- تحف‌العقول، ص ۲۶۲.
- ۵- همان، ص ۴۴۹.
- ۶- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹.
- ۷- همان، خطبه ۱۸۴.
- ۸- همان، حکمت ۷۹.
- ۹- تحف‌العقول، ص ۱۰.
- ۱۰- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۶.
- ۱۱- همان، خطبه ۲۳۲.

فهرست منابع:

- تحف‌العقول، علی‌بن‌حسین بن‌شعبه‌الحرانی. ترجمه احمد جنتی عطایی. انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه. فیض الاسلام.

۱۵

سپهر

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
خرداد ۱۳۸۶
شماره ۳۲